(قرآن از تحریف مصون است)

**نقدی بر کتاب**

**فصل الخطاب في اثبات تحريف كتاب رب الأرباب**

**نوشته:**

نوري طبرسي

**«رد سوره ولایت»**

**این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.**

**www.aqeedeh.com**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **آدرس ايميل:** | book@aqeedeh.com | | |
| **سايت‌هاى مفيد** | | | |
| www.nourtv.net  www.sadaislam.com  www.islamhouse.com  [www.bidary.net](http://www.bidary.net)  www.tabesh.net  [www.farsi.sunnionline.us](http://www.farsi.sunnionline.us)  www.mohtadeen.com  www.ijtehadat.com  www.islam411.com  www.videofarda.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  www.ahlesonnat.com  www.isl.org.uk  [www.islamtape.com](http://www.islamtape.com)  www.blestfamily.com  www.islamworldnews.com  www.islamage.com  www.islamwebpedia.com  www.islampp.com  www.sunni-news.net |

مقدمه

﴿ ﴾

**الحمد لله والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين وعلى آله وأصحابه ومن والاه وأشهدأن لا إله إلا الله وحده لا شريک له وأشهد أن محمد عبده ورسوله اللهم صل علی سيدنا محمد وعلی آله وصحبه وسلم، اللهم يا حافظ المحفوظ احفظنا من کل شر وهواء آمين برحمتک يا أرحم الراحمين**!

کتابی که در پیش رو دارید نقد مختصری است بر کتاب فصل الخطاب (**نوري طبرسي**) باعنوان «سوره ولایت» من آنرا [سایه ولایت] نامیدم چندی پیش از کتابی که در انترنت و از سایت [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com) دانلود کردم پس از مطالعه آن کنترل خود نتوانسته و بر صدد رد آن و آشکار کردن فساد و تباهی دشمنان دین و عناد آنها با اسلام راستین برآمدم، برای اطلاع خوانندگان محترم آن کتاب «نگاهی به عقاید شیعه» بصورت الکترونیکی می‌باشد و سوره قلابی دشمنان دین این است (سایه ولایت):

«**يأيها الذين آمنوا آمنوا بالنورين أنزلناهما يتلوان عليكم آياتي ويحذرانكم عذاب يوم عظيم. نوران بعضهما من بعض وأنا السميع العليم. إن الذبن يوفون ورسوله في آيات لهم جنات النعيم (كذا) والذين كفروا من بعد ما آمنوا بنقضهم ميثاقهم وما عاهدهم الرسول عليه يقذفون في الجحيم. ظلموا أنفسهم وعصوا الوصي الرسول أولئك يسقون من حميم. إن الله الذي نور السموات الأرض بما شاء واصطفى من الملائكة وجعل من المؤمنين أولئك في خلقه يفعل الله ما يشاء لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. قد مكر الذين من قبلهم برسلهم فأخذهم بمكرهم إن أخذي شديد أليم. إن الله قد أهلك عاداً وثموداً بما كسبوا وجعلهم لكم تذكرة فلا تتقون. وفرعون بما طغى على موسى وأخيه هارون أغرقته ومن تبعه أجمعين. ليكون لكم آية وإن أكثركم فاسقون. إن الله يجمعهم في يوم الحشر فلا يستطيعون الجواب حين يسألون. إن الجحيم مأواهم وأن الله عليم حكيم. يأيها الذين كانوا عن آياتي وحكمي معرضون. مثل الذين يوفون بعهدك أني جزيتهم جنات النعيم. إن الله لذو مغفرة وأجر عظيم. وإن علياً من المتقين. وإنا لنوفينه حقه يوم الدين. ما نحن عن ظلمه بغافلين. وكرمناه على أهلك أجمعين. فإنه وذريته لصابرون. وإن عدوهم إمام المجرمين قل للذين كفروا بعدما آمنوا طلبتم زينة الحياة الدنيا واستعجلتم بها ونسيتم ما وعدكم الله ورسوله ونقضتم العهود من بعد توكيدها وقد ضربنا لكم الأمثال لعلكم تهتدون. يأيها الرسول قد أنزلنا إليك آيات بينات فيها من يتوفاه مؤمناً ومن يتوليه من بعد يظهرون. فأعرض عنهم إنهم معرضون. إنا لهم محضرون. في يوم لا يغني عنهم شيء ولا هم يرحمون. إن لهم جهنم مقاماً عنه لا يعدلون. فسبح باسم ربك وكن من الساجدين. ولقد أرسلنا موسى وهارون بما استخلف فبغوا هارون. فصبر جميل فجعلنا منهم القردة والخنازير ولعناهم إلى يوم يبعثون. فاصبر فسوف يبصرون. ولقد آتيناك بك الحكم كالذين من قبلك من المرسلين. وجعلنا لك منهم وصياً لعلهم يرجعون. ومن يتولى عن أمري فإني مرجعه فليتمتعوا بكفرهم قليلاً فلا تسأل عن الناكثين. يأيها الرسول قد جعلنا لك في أعناق الذين آمنوا عهدا فخذه وكن من الشاكرين. إن علياً قانتاً بالليل ساجداً يحذر الآخرة ويرجوا ثواب ربه قل هل يستوي الذين ظلموا وهم بعذابي يعلمون. سنجعل الأغلال في أعناقهم وهم على أعمالهم يندمون. إنا بشرناك بذريته الصالحين. وإنهم لأمرنا لا يخلفون. فعليهم مني صلوات ورحمة أحياء وأمواتا يوم يبعثون على الذين يبغون عليهم من بعدك غضبي إنهم قوم سوء خاسرين. وعلى الذين سلكوا مسلكهم مني رحمة وهم في الغرفات آمنون. والحمد لله رب العالمين**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  | | --- | | خواننده محترم، از شما خواهش می‌شود بدون تعصب و برای رضای الهی این کتاب را مطالعه کنی که چون انسان جایزالخطاست اگر اشکالی در آن یافتید عذر می‌طلبیم و از خداوند متعال اجر و ثواب هدایت آنرا می‌خواهیم امید که خداوند متعال آنرا در زمره اعمال نیک و توشه روز حساب قرار دهد. ضمناً مطالب ذیل از کتاب «قرآن هرگز تحریف نشده»[[1]](#footnote-1)، که آنهم نقدی بر این کتاب می باشد آورده ام: |   ابوالعلاء معرى شاعر نابيناى، زبان عرب كه رهبر و استاد در فنون ادب و شئون كلام است و در نيكو سرودن شعر و دلچسبى نثر انگشت نماست و در علوم عربيت به او مثل زده مى‌شود و كتابهاى او به نامهاى لزوم ما لا یلزم و سقط الزند، و شرح الحماسة و نوشته هاى ديگرش گواه فضل و دانش او مى‌باشد. بنابر آن چه ياقوت حموى در كتاب معجم الأدبا در شرح حال او نقل كرده، اين شخص با اين فضلش در صدد معارضه با قرآن برآمد، و ما گفتار او را در معارضه قرآن مى‌آوريم و چنانچه تو با ديده علم و معرفت به آن بنگرى برايت روشن خواهد شد كه نسبت آن گفته ها به قرآن مانند پرتو كرم شب تاب است نسبت به فروغ خورشيد درخشان. ياقوت حموى گويد: به خط عبدالله بن محمد بن سعيد بن سنان خفاجى، در كتابى كه در موضوع، الصرفه نوشته بود خواندم كه در آن كتاب او پنداشته است، قرآن فصاحت چندانى ندارد كه خرق عادت نموده باشد تا اين كه براى پيغمبر معجزه باشد و گمان كرده كه هر فصيح بليغى قادر است مانند آن را بياورد جز اين كه فصحاء و بلغاء به علت صرفه از آوردن مانند آن ناتوان اند، نه اين كه قرآن در ذات خودش معجزه فصاحت باشد و اعجاز به صرفه عقيده گروهى از متكلمين و رافضه است كه از ايشان است: بشر المریسى و مرتضى ابوالقاسم كه در كتاب تضاعيف خودش چنين گفته است: گفتار اصحاب اين رأى كه گفته اند: از آن هنگام كه قرآن تحدى كرده است ديگر هيچكس نتوانست به معارضه قرآن برخيزد. گروهى از ادباء را بر آن واداشت كه بر اسلوب قرآن مطالبى تنظيم كنند چيزى كه هست عده‌اى كار خود را ظاهر ساختند، و گروهى آن را پنهان داشتند، و از جمله كسانى كه كارش آشكار شده ابوالعلاء است كه در معارضه با قرآن چنين گفته:   |  | | --- | | **أقسم بخالق الخيل، والريح الهابة بليل، ما بين الأشراط ومطالع سهيل، أن الكافر لطويل الويل، وإن العمر لمكفوف الذيل، اتق مدارج السيل، وطالع التوبة من قبيل، تنج وما أخالك بناج** |   و گفته او:   |  | | --- | | **أذلت العائذة أباها وأصاب الوجدة ورباها، والله بكرمه اجتباه أولاها الشرف بما حباها، أرسل الشمال صباها، ولا يخاف عقاباها.** |   شرح الأقوال فى الصرفة، گروهى پنداشته اند كه خداوند نيروهاى انسانى را از معارضه قرآن باز داشته و بدين جهت از آوردن همانند قرآن ناتوانند، و اگر خدا توان افراد بشر را مهار نكرده بود مى‌توانستند به معارضه آن برخيزند و مانند آن را بياورند. ديگران معتقدند كه، خداى تعالى افراد بشر را از معارضه باز نداشته و لكن بلاغت قرآن در چنان اوجى است كه ايشان توان فكرى آوردن مانند و برابر آن را ندارند. نتيجه هر دو قول يكى است براى اين كه هر دو اتفاق دارند بر اين كه تا روز قيامت از آوردن همانندى در برابر قرآن ناتوان اند، ولو يك سوره، خواه از جهت باز داشته شدن نيروها باشد يا چيز ديگر. مقصود از مرتضى ابى القاسم شريف علم الهدى برادر شريف سيد رضى است. بر افراد شايسته و آگاه پوشيده نيست كه اگر با امثال اين كلمات كه از تر و خشك بهم بافته شده مى‌شد با قرآن كريم معارضه كرد خداوند بندگانش را به آن تحدى نمى‌كرد زيرا مردم مى‌توانستند به آن چه لفظ و معنا بهتر از آن باشد بياورند و همين كه تحدى كرده معلوم است كه خدا ، عالم به اسرار است مى‌داند كه چنين توانى در بشر نبوده و نخواهد بود. تازه در آن سوره هائى كه جلوتر گفتم از كتاب دبستان المذاهب و كتاب فصل الخطاب آورده شده، كلماتى هست كه سر و ته آن با هم تناسبى ندارد كه جملات آن بر طبق قواعد نحو نمى‌باشد و معنائى را نمى‌رساند. و ما مقدار كمى از سورة النورين را نقل مى‌كنيم تا سبكى الفاظ و سستى بافتش بر تو روشن گردد. بعضى از آيات آن سوره فاسد و از شكل افتاده اين است:   |  | | --- | | **إن الله الذى نور السموات والأرض بماشاء واصطفى الملائكة وجعل من المؤمنين أولئك فى خلقه يفعل الله مايشاء لا إله إلا هو الرحمن الرحيم** . |   از جمله:   |  | | --- | | **مثل الذين يوفون بعهدك أنى جزيتهم جنات النعيم** . |   از جمله:   |  | | --- | | **ولقد أرسلنا موسى وهارون بما استخلف فبغوا هارون فصبرجميل فجعلنا منهم القردة والخنازير و لعناهم إلى يوم يبعثون** . |   از جمله:   |  | | --- | | **ولقد آتينا بك الحكم كالذين من قبلك من المرسلين وجعلنا لك منهم وصيا لعلهم يرجعون.** |   ببين دزد ستيزه گر چگونه بعضى جملات قرآنى را به ياوگوئيهاى خود سر دوزى كرده است تاكم خردان را به اشتباه اندازد و حق و باطل را به هم در آميخته تا مسلمين را بدام اندازد و آشوبى بپا كند و سبك مغزها چون كلمات پراكنده‌اى مانند، (صبر جميل و نور السموات، و إلى يوم يبعثون، و لعلهم يرجعون) را در آن ديده اند كه از قرآن گرفته شده آنها را پذيرفته اند تا بجائى كه قرآن چاپى را ديدم[[2]](#footnote-2) كه اين سوره در حاشيه اش نوشته شده بود و اين كار جز از قارئان گوشه نشين نادان و نوباوگانى كه با ياد گرفتن مخارج حروف حلق يقين كرده اند كه وراء آن چه را آنها مى‌دانند اصلا علمى وجود ندارد، از ديگرى سر نمى‌زند، و گويا حافظ از آنها خبر داده كه گويد:   |  | | --- | | آه آه از دست صرافان گوهر ناشناس= هر زمان خرمهره را با در برابر مى‌كنند |   مرحوم بلاغى در تفسير خود آلاء الرحمن گويد: و از جمله چيزهائى را كه به كرامت قرآن مجيد بسته اند چيزى است كه صاحب كتاب فصل الخطاب از كتاب دبستان المذاهب نقل كرده است و نسبت داده به شيعه كه آنها مى‌گويند: سوزانيدن مصاحف سبب از بين رفتن چند سوره از قرآن شد كه در فضيلت على و خاندانش (ع ) نازل شده بود كه از جمله آنها اين سوره النورين است و كلامى را ذكر نموده كه شباهت دارد به 25 آيه، كه در لابلاى آن از جملات قرآن كريم، بر اسلوب پيراسته نمودن آن به دروغ به آن پيوند كرده و اغلاطى در آن ديده مى شود، از جمله خطاى او در سخن اين است كه گفته:   |  | | --- | | **واصطفى من الملائكة وجعل من المؤمنين أولئك فى خلقه.** |   معلوم نيست از فرشته چه برگزيده شده و چه چيز از مؤمنين در خلقتش ‍ قرار داده شده است .   |  | | --- | | **مثل الذين يوفون بعهدك أنى جزيتهم جنات النعيم** |   اى كاش مى‌فهميدم آن مثلشان چيست؟ چون مثل بايد مثل داشته باشد و در اين عبارت مثلى نيست .   |  | | --- | | **ولقد أرسلنا موسى وهارون بما استخلف فبغوا هارون فصبر جميل** |   معناى اين تعرض و غضب و غرغر كردن چيست؟ بما استخلف چه مفهومى دارد؟ و از بغوا هرون چه اراده شده؟ و ضمير مستتر در «بغوا» به چه كسانى بر مى‌گردد؟ و به چه كسى دستور داده شده كه صبر جميل داشته باشد.   |  | | --- | | **ولقد آتينا بك الحكم كالذى من قبلك من المرسلين وجعلنا لك منهم وصيا لعلهم يرجعون** |   معنی (آتینا بك الحکم) چیست. و ضمیر در (منهم و لعلهم) به که برمی گردد؟ آیا مرجع ضمیر در قلب شاعر است و وجه مناسبت در (لعلهم یرجعون) چه می‌باشد که بعد از نقل چند جمله دیگر و ایراد بر آنها گوید: این بود پاره ای از لغوگوئی این شخص در داستان خنده آور. نویسنده فصل الخطاب از محدثینی است که کوشش فراوان داردکه شاذ و غیر معمول و برخلاف قاعده را پی جوئی و دنبال کند، ودر اینجا پنداشته است بوسیله امثال آن چه در کتاب دبستان المذاهب نقل شده است گم شده خود را بدست آورده، مع‌ ذالک گفته است برای این سوره اثری در کتب شیعه نیافته پس چه شگفت است از مؤلف کتاب دبستان المذاهب که نسبت این ادعا را به شیعه از کجا آورد و به چه مدرکی به شیعیان نسبت داده و آن را در کدام کتاب ایشان یافته، مگر شدنی است که در کتابها چنین سوره ای باشد؟! |

مطالب فوق در کتاب «قرآن هرگز تحریف نشده» می‌باشد که خودشان از آنچه خود بر سر خود می‌آورند حیرانند؟ برای اطلاع بیشتر درباره اهل تشیع به کتاب (قرآن و تحريف تأليف: محمد عبدالرحمن السيف) مراجعه شود.

کُرد مسلمان

7/2/1388ه.ش

سوم جمادی الأول1430

قبل از هر چیز از آقای **نوري طبرسي** می پرسیم:

1- سوره ولایت، مکی است یا مدنی؟

1. چند آیه است؟
2. چه کسانی آنرا حفظ کرده و یا نوشته اند؟
3. شما آنرا از کجا آورده اید؟
4. تا حالا در کجا مخفی بوده؟
5. چرا در هیچ یک از قرآن های چاپ ایران وجود ندارد یا لااقل در چاپ یکی از هم عقیدانتان؟؟
6. چرا در نهج البلاغه منسوب به حضرت علی (مهم ترین کتاب شیعیان) اثری از آن دیده نمی‌شود؟؟
7. چرا خمینی‌ها وکلینی‌ها آنرا ذکر نکرده اند؟
8. و.....

خداوند مي فرمايد:

**﴿** **﴾** [حجر: 9].

ترجمه: «ذكر (قرآن) را ما نازل كرده ايم و ما حفاظتش خواهيم نمود».

**﴿** **﴾** [فصلت: 42].

يعني: «باطل از هيچ سمت و سو در آن راه نمى‏يابد».

خداوند را برای آنان کافیست که بر او باریتعالی افترا بندند که روز حسابی وکتابی در پیش است:

**﴿** ﴾ [بقره: 79].

ترجمه: «پس واي بر آنهایی که چیزهایی می‌نویسند و می‌‌گویند: اینها از جانب خداست تا بلکه بوسیله آن (از بدبختان وگمراهان) بهای اندکی بگیرند، پس وای بر آنها از آنچه بدست خود نوشته اند وای بر آنها! بخاطر مالی که با نوشته هایشان کسب کرده اند»

‏ **﴿** ﴾ ‏[اسراء: 88). **‏ «**بگو: اگر همه مردمان و جملگي پريان گرد آيند و متّفق شوند بر اين كه همچون اين قرآن را (با اين شيوه‌هاي دلربا و معاني زيبا بسازند و) بياورند، نمي‌توانند مانند آن را بياورند و ارائه دهند، هرچند هم برخي از ايشان پشتيبان و مددكار برخي ديگر شوند (چرا كه قرآن كلام يزدان و معجزه جاويدان آفريدگار است و هرگز از معلومات محدود آفريدگان چنين چيزي ساخته نيست)». **‏**

البته که ما اهل سنت و جماعت به وعده خدا ایمان داریم همانا او عزیز و شکست ناپذیر است چرا که او همانگونه که خود در آیه الکرسی بیان می‌دارد﴿ **﴾** [بقره: 255].

ترجمه: «گذشته و [حال و] آينده آنان را مى‏داند و به چيزى از علم او جز به آنچه خود خواسته است، احاطه نمى‏يابند».

آگاه به گذشته و آینده انسانهاست و بر علمش جز با اراده او احاطه‌ای نباشد. اوست که می‌دانست روافضیانی در طی اعصار پدیدار می‌گردند که البته خود یهود می‌باشند لیکن در لباس دین!! باز او می‌دانست که افرادی در آینده (همان امروز بعد از 14قرن از نزول ذکر) ظاهر می‌گردند که شروع به افترا و بهتان و خیالبافی می‌زنند و حتی حرف حق را نمی‌قبولانند از برای آن بود که ضمن بشارت و وعده حفاظت از کلامش، انسانها را به مجادله می‌طلبد درست است که آن آیات در آن زمان نازل گشته است اما هنوز هم حریف می‌طلبد و حقا این پیش گویی قرآن و معجزه الهی است که امروز روافضی آشکار گردند تا در برابر آیات الهی چرندیاتی عرضه نمایند و اصلاحاً قدعلم کنند.

جای بسی شُکراست خداوند قرنها پیش انسانها را دعوت به مجادله و مقابله نمود که هنوزهم این مقابله جهت رسوایی یهیودیان مسلمان‌نما پابرجاست. آنطورکه خداوند مي فرمايد:

﴿ **﴾** [بقره: 23].

«و اگر از آنچه كه بر بنده خود نازل كرده‏ايم، در شكّ‏ايد، اگر راستگوييد يك سوره مانند آن بياوريد»

**يأيها الذين آمنوا آمنوا بالنورين أنزلناهما يتلوان عليكم آياتي**

**اولاً**: نورین یعنی دو نور، اگر منظور جاعل رافضی؛ پیامبر و علی باشند آنها مانند حضرت عیسی غایب نبودند و در میان مردم حضور داشتند بنابراین احتیاجی به نزول آنها نیست، بلکه باید میگفت (**أرسلناهما**) یعنی فرستادیمشان آن دورا! پس فتنه روایت بر خودشان بر می‌گردد خداوند آنان را آنچنان که شایسته آنهاست جزا دهد.آمین

**ثانیاً:** انبیاء نازل نمی‌شوند بلکه ارسال [فرستاده] می‌شوندمانند:

**﴿** **﴾** [بقره: 119]. «به راستى ما تو را به حقّ مژده آور و بيم دهنده فرستاديم و از تو درباره دوزخيان بازخواست نخواهد شد»

خداوند دراین آیه نگفته: «**إنا أنزلناک بالحق...**» چون او از هر جهل و پلیدی و نقصی بدوراست او آن نیست که فرق ارسال و انزال را درنیابد!!!!

این نشان می‌دهد که مبادی این دروغ [سایه ولایت] جاهل و بلکه سفیه و نادان است. اگر در آیات قرآن بنگرید می‌بینید که بعد از «أنزلنا» از اشیاء و چیزهای غیر بشر نام برده در حالیکه در این سایه اشخاص (هما) بعد از أنزلنا آمده؟؟؟

**ثالثاً**: خداوند در آیاتی که امر به «آمنوا» می‌کند اول خود را ذکر می‌کند اما در این بازیچه (العیاذبالله) خود را فراموش کرده و بدنبال دیگران میگردد مانند:

**﴿** ﴾ [نساء: 136]. «اى مؤمنان، به خدا و رسولش و آن كتابى كه بر رسولش فرو فرستاده و آن كتابى كه پيش از اين نازل كرده است، ايمان آريد و هر كس به خدا و فرشتگانش و كتابهايش و فرستادگانش و روز قيامت كافر شود [بداند كه‏] به گمراهى دور و درازى گرفتار آمده است».

همانطورکه مشاهده می‌گردد خداوند اول خود را نشان می‌دهد تا عبادش در دعا و عبادتش دیگران را نخوانند. سپس رسولش را ذکر می‌کند سپس کتاب نازل شده بر رسولانش را. در این آیه بطور کامل ایمان واقعی را تعریف نموده است چگونه است در سایه ولایت، خدا خود را فراموش کرده و ایمان را در نورین خلاصه کرده و ملائکه و کتاب هایش و انبیاء و حتی یوم الآخر را ذکر نکرده؟؟؟

در اوایل اسلام بودند افرادی که با اشعار مسخره خود خواستند در برابر قرآن مقابله کنند اما تاریخ؛ گواه است بر شکست آنها. اما امروزه هم جعالان شکست خورده پیدا شده که ادعای تحریف قرآن می‌کنند که تابحال جز خجل و سرافکندگی چیزی برای آنها نمانده است. در «سایه‌ی خیالی ولایت» چنین آمده:

**أنزلناهما يتلوان عليكم آياتی**

مرغ خواست از غاز تقلید کند آبروش رفت هم راه رفتن خود فراموش کرد و هم دیگری نیاموخت!!! جاعل [نعوذبالله] جاهلانه خواسته قدرت‌نمایی کند.

ضمیر جمع متکلم مع الغیر برای فاعل؛ بایستی همراه ضمیر هم آهنگ خودش بیاید**،**

**نأخذ کتابنا، نرجع بيوتنا** و**...** اما آقای بیسواد بدون توجه به عربی ضمیرهای گوناگونی در یک عبارت بکار برده است!!!! یعنی برای ضمیرجمع نحن، (**أنزلنا**) از ضمیر متصل (ی= متکلم وحده) استفاده کرده است**.**

**ثانیاً:** به گفته دروغین شما پیامبر، نبوتش ناقص بوده و احتیاج به یار دیگری برای ابلاغ داشته تا دو نور شوند در حالی که خداوند به اکمال دین صراحتا اقرار داشته است. چرا نور دوم در دیگر جاهای قرآن نیامده تا بندگان خدا دچار سردرگمی نگردند.

**وأنا السميع العليم**

**اولا:** با قدری تدبر و تعمق در این بازیچه و قیاس آن با آیاتی که خداوند متعال آنها را با **﴿** ﴾ آغاز کرده بوضوح بازی آقای جاعل و میزان بیسوادی او را در می‌یابیم. در آیات الهی با این اوصاف، خداوند خود را بصورت سوم شخص غایب معرفی می‌کند مانند **﴿** ﴾ / ﴿ ﴾ و...اماهمانگونه که در این بازیچه پیداست جاعل از ضمیر متکلم وحده استفاده کرده چون از علم خداوندی بیخبر است. بعلاوه برای فاعل یا مبتدا که برای مخاطب آشنا می باشد صفات گوینده بصورت نکره ظاهر می‌شوند مانند، **أنا جميلٌ** . اما گویا جاعل گوینده هنوز خود را در این بازی نشناخته!!!   
[نگا: بقره: 218/ آل عمران: 31].

**ثانیا**: چون جاعل از عربی هیچ آگاهی ندارد معرفه و نکره را بخوبی نمی شناسد. در عربی صفت تابع اسم خود می‌باشد، یعنی اگر اسم مفرد باشد صفتش مفرد و یا اگر اسم معرفه باشد صفت هم معرفه خواهد بود. نیز ضمائر از جمله‌ی معارف هستند که جاعل از این نکته بی‌خبر مانده است برای همین برای ضمیر «أنا» صفات معرفه آورده است.

اگر آیه الهی بود برای ضمیر(معرفه) أنا می‌بایست از صفات (**سميعٌ عليمٌ**) استفاده می‌شد. درحالی که می بینیم چنین نیست.

این موهومات برای اغفال کم خردان واز آیه: **﴿** **﴾** [بقره: 127].ترجمه: **«**و هنگامى كه ابراهيم و اسماعيل پايه‏هاى خانه [كعبه‏] را بالا مى‏بردند [و گفتند:] پروردگارا، از ما بپذير. همانا كه تويى شنواى دانا**»** گرفته شده. خواننده محترم به عقل این نادان نگاه کنید بی‌خبر از آنکه در این آیه افراد و عباد، خدا را می‌خوانند و «**السميع**» و «**العليم**» می‌گویند اما در این سایه ولایت ...

صفات **«السميع»** و**«العليم»** در صورتی به این صورت می‌آیند که برای فرد شنونده فرد موصوف ناشناخته باشد که در قرآن بطور مشخص بعد از ضمیر غایب [هو] آمده اند. [نگا: دخان-6/ شوری-11/ فصلت-36/ غافر20و56/ عنکبوت5و60/ شعرا-220/ أنبیا4/ اسراء-1/ یوسف-34/ یونس-65/ انفال-61/ انعام- 115و13/ مائده-76/ بقره-137].

**إن الذين يوفون ورسوله في آيات**

(همانا کسانی که وفا می‌کنند و پیامبرش در آیات!!!) خودتان قضاوت کنید این یعنی چه؟؟؟آیا منظور شما وفا کردن با آیات است؟ یا در آیات چنین آمده است؟ هیچی از این مستی معلوم نیست؟ اگر آیات بمعنای نشانه‌ها بکار رفته این نشانه‌ها از کیست یا از چیست؟ بالآخره آیات الله یا آیاته یا آیاتهم و... چرا بدون ضمیر و مبهم است؟؟؟؟

**ثانیاً:** آیا این عبارت یک جمله است یا دو جمله با واو معطوف؟ آیا منظور شما رسول و کسانی که وفا میکنند هست؟ یا منظور شما بقرینه معنوی حذف شده و چنین بوده: **«ان الذين يوفون الله ورسوله فی آيات»** «همانا کسانی که وفا می‌کنند خدا را و رسولش را در آیات» نامعلوم و ناقص!!

این فقط رسوایی شما دراین جهان است عذاب آخرت را چه کار می‌کنی؟ جواب آنهایی که نا آگاهانه دنبال هوا وهوس جنابعالی بوده اند چه می دهی؟

آقای نوری! پیامبرش، یعنی پیامبر او. که در اینجا بجای خدا گوینده کلام هستید و می‌گویید: «أنا» (درعبارت قبل) منظور شما از پیامبر او، او کیست؟ چرا گوینده نگفته پیامبرم؟؟؟ چرا نگفته (**رَسولي!!**)

ضمناً دراینجا کسانی که با چه کسانی، وفا کنند به بهشت می‌روند؟؟؟ خدا و رسول یا خودشان!! «**إن الذين يوفون»** که شما سازنده نا محترم معلوم نساخته اید!!

**طلبتم زينة الحياة الدنيا واستعجلتم بها ونسيتم ما وعدكم الله ورسوله**

افعال طلب و عجله و نسیان، هماهنگ نبوده واستعجلتم باب استفعال است در حالی که طلبتم و نسیتم باب فعل متعدی هستند یعنی گوینده، گاهی حواسش سر جایش است و گاهی هم مست و حیران!! در یک عبارت هم از باب استفعال و هم از باب فعل استفاده می‌کند در حالی که این دو باب از نظر کاربرد و معنا با هم متفاوت هستند.

**ما وعدكم الله ورسوله**

این عبارت بعد از عبارت قبل آمده و مکمل آن می‌باشد، آقای یهودی فعل «ما وعد» را که برای سوم شخص غایب می باشد برای دو نفر، یعنی خدا و رسولش آورده یعنی فاعل مثنی برای فعل فرد غایب؟!!! باتوجه به اینکه فعل «**نسيتم**» در اول آمده پس، از قاعده فرد در ابتدای جمله پیروی نمی‌کند مانند؛

**وصف التلاميذ**= تلامیذ جمع و با فعل مفرد آمده. این قاعده در عربی وجود دارد اما این بدین معنا نیست که ما هر چه دلمان خواست، بدین صورت در آوریم که شرح آن گذشت. یعنی «ماوعد» دیگر فعل اول جمله نیست که بتوان از این قاعده استفاده نمود. خداوند از شر این یهودیان ما را نجات دهد.آمین.

**ونقضتم العهود من بعد توكيدها**

در عبارت فوق «عهود» جمع و اما ضمیر و شناسه آن (ها) مفرد است گویا شیطان نگذاشته جاعل به این نکته توجه نماید!!! حال این ضمیر (ها) به کدام کلمه رجوع می‌کند؟؟؟

**توكيد،** اگر از باب تفعیل باشد با معنای جمله فوق ناجور است چون در عبارت از اصرار و تأکید استفاده شده پس کلمه درست همانا (تأکید) می باشد و خدا بوسیله آن جاعل را رسوا کرده !!!

**والذين كفروا من بعد ما آمنوا بنقضهم ميثاقهم وما عاهدهم الرسول عليه**

خواننده گرامی، ببین آنچه یک یهودی برایتان ساخته؟ اول بخندید سپس از شرم و خجالت در برابر خدا اشک ریزان توبه کنید و از روزی بترسید که هیچ چیزی جز لطف الهی نمی‌تواند انسان را نجات دهد به اسلام برگردید که عذاب جهنم حتی برای یک لحظه هم قابل تحمل نیست. برای درک بهتر اما اقل و تشابه آن، ساعت را روی کورنومتر گذاشته و انگشت خود را در قیر جوشان قرار دهید تا ببینید چند مدت توان تحمل آنرا دارید تا چه رسد همه اعضاء، آن هم با آتش و مذابی که در برابرش این عذاب دنیوی صفر است!

**اللهم نعوذ بک من عذابک وعذاب القبر وعذاب جهنم! فاحفظنا!آمين.**

**والذين كفروا من بعد ما آمنوا**

آهای یهودی! عبارت «**ما آمنوا**» یعنی چه؟ حرف موصول (ما) آیا مای نفی است یا مای استفهام یا چیزی که فقط شما آنرا می‌دانید؟ یا منظور شما «**من بعد آمنوا**» بوده؟؟

آقای یهودی! **«بنقضهم ميثاقهم»** یعنی چه؟ نکنه منظور شما **«بنقض ميثاقهم»** باشد!! **«عاهدهم»** یعنی چه؟ نکنه منظور شما «**عاهدوا**» باشد یعنی **«وما عاهدوا الرسول»**

**ظلموا أنفسهم وعصوا الوصي الرسول أولئك يسقون من حميم**

**ظلموا أنفسهم،** یعنی چه؟ آیا کسی که وصی الرسول را اطاعت نکند یعنی امر خدا قبول نکند چنانکه شما گفته اید فقط به خودش ظلم کرده است؟

پس چرا شما اینقدر بر دیگران سخت می‌گیرید که بر علی ظلم کردند چرا که شما در این (سایه[[3]](#footnote-3)) می‌گویید: (**أنفسهم**) یعنی بر خودشان! نه بر علی و دیگران!!!

ای کاش شما اینجا بودید و خودتان برایم (خوانده [[4]](#footnote-4)) می‌کردید تا تشخیص معنا برایم آسان می‌شد.آیا **«عصوا الوصي الرسول»** درست است یا **«ظلموا أنفسهم وعصوا، الوصي الرسول»؟** چه طوری بخوانم تا معنای باب دل شما بدست بیاید یا از راوی آن بپرسید بلکه در روایات دیگر خوانده آنرا به شما آموزش دهد. لطفا بیشتر دقت کنید. اگر عبارت اول درست است! یعنی وصی عصیان کرد یا عصیان کردند وصی الرسول را؟ که هیچ معنایی نمی بخشد، اما اگر دومی درست باشد الوصی الرسول چه معنایی دارد؟ یا ظلم و عصیان خودشان چه ربطی به وصی الرسول دارد؟

**إن الله الذي نور السموات الأرض بما شاء**

آسمانهای زمین یعنی چه؟؟؟ یا منظور شما آسمانها و زمین است **(السموات والأرض).**

**أنزلنا إليك آيات بينات فيها من يتوفاه مؤمناً ومن يتوليه من بعد يظهرون**

این اسم و ضمایر کدام یک برای دیگری آمده؟ (**آيات و ها و ه و يظهرون**)

**مؤمناً،** دراینجا آیا منظور شما این است (مؤمن هستند) اگر چنین باشد بایستی مؤمن مرفوع باشد نه منصوب. چون گمان می‌رود عبارت اینچنین باشد: **«من يتوفاه فَـهُو مومنٌ».**که به قرینه احتمال دارد حذف کرده باشید!!!! و اگر چنین نیست پس معنای آن دراین جمله چه می‌باشد؟؟

**إن الله الذي نور السموات الأرض بما شاء واصطفى من الملائكة**

**السموات الأرض،** یعنی چه؟ آسمانهای زمین؟ یا واو عطف را حذف کرده‌اید تا بدانید خواننده متوجه بازی هاي‌تان می‌شود یا نه؟ و منظورتان «**السموات والأرض**» بوده؟ لطفا در آیات و بازی های بعدی اصلاح کنید!!! تا بهتر بتوانیم بازی کنیم.

**ثانیاً**: **الذی،** ماقبل خود را وصف می‌کند در اینجا کدام خدا را می‌‌گویید: همانا خدایی که ... . آیا قبلش درباره خدا حرف زدید که حالا وصفش می‌کنید؟

**إنا لهم محضرون**

**(إنّا)**، برای مع الغیر و **(محضرون)** برای جمع غایب و مخاطب؟؟؟یا (إنا) غایب شده یا این روان تازه وارد عربی شده؟ خداوند لعنت کند دشمنان دین را**.**

**إن أخذي شديد أليم**

صفات (شدید) و (ألیم) کاملا ملموس هستند در حالی که در آیات الهی ناملموس و بصورت شدیداً ألیماً ظاهر می‌شوند!

ضمناً قرآن به این خاطر قابل تحریف و مانند سازی نیست زیرا که از هر لحاظ، عددی، حرفی، معنا و... دارای شگفتیهایی است که بندگان خدا بعد از 14قرن هنوز از درک آنها عاجز هستند مانند اعجاز عددی قرآن، یا اعجاز حرفی آن (الم) و... در قرآن حرفی که در اول گفته می‌شود با آخرین حرف و سایر کلمات و جملات در ارتباط قوی بوده چه بسا در دوران ديگر بر مردم ظاهر شوند. تفسیر برخی آیات، در ادامه برخی آیات دیگر از سوره دیگر آمده است. و از کار بشر خارج است: مانند آیه:

**﴿** **﴾ [**سوره فاتحه**]**.

که تعبیر آن در سوره نساء/69 آمده است:

**﴿** **﴾**

«و آنان را به راه راست هدايت مى‏كرديم. و هر كس كه از خداوند و رسول [او] فرمان برد، آنان در زمره كسانى خواهند بود كه خداوند بر آنان انعام نموده است، از پيامبران و صديقان و شهيدان و صالحان. و اينان نيك رفيقانى هستند»

یا تعبیر آیه: **﴿** **﴾** در سوره فتح /6 آمده است:

**﴿** **﴾.**

«و تا به مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرك كه به خداوند گمان بد برده‏اند، عذاب دهد. مصيبت ناگوار بر آنان باد. و خداوند بر آنان خشمگين شده و آنان را لعنت كرده و دوزخ را براى آنان آماده ساخته است و بد جايگاهى است»

و بسی از آیات متشابه که تعبیر آنها در آیات دیگری آمده است از جمله اعجاز قرآن است تا فردی مانند طبرسی یهودی اقدام به اتیان سوره‌ای ساختگی نکند واقعاً عظیم وخارق العاده است!...

سوال: آقای طبرسی! این سوره تعبیراتش در کدام سوره‌هاست که تاکنون کشف نشده است؟؟؟

**إنا بشرناك بـذريتــه الصالحين**

**بذريته:** به ذریة چه کسی؟ ذریة مونث است و مفرد اما صفتش الصالحین جمع است و مذکر!!!!

**ما نحن عن ظلمه بغافلين**

منظور شما از «**ظلمه**» چیست؟ ظلم او؟یا منظور شما «ظلم علیه» بوده؟؟؟

چون تأمل در همه سایه بحثی خسته کننده و از حوصله خواننده محترم خارج است پس به این میزان اکتفا نمودم، امیدوارم خداوند بوسیله آن در یوم الحشر مرا مورد عفو و رحمت خود قرار دهد و خواننده محترم را از حقایق دشمنان دین آگاه و موجب بازگشت به دین اسلام برای مظلومان همیشه مقلد گردد. **اللهم إنی أسالک خير ما عندک وأعوذ بک من کل بلاء والفتن ومن الأمور البدعة.**

1. - البته مؤلف این کتاب هم بیش از حد غلو و افراط نموده و اتهام تحریف را به اهل سنت نسبت می‌دهد و از عمر یک روایت آورده که من در صحیح بخاری نیافتم. در حالی کتب آنها در مولفه «قرآن و تحریف» تأليف: محمد عبدالرحمن السيف بتفصیل آمده است. [↑](#footnote-ref-1)
2. - آقای مؤلف! آن قران حاشیه گذاری شده چاپ کجا بود .خواننده محترم خودتان از مؤلف کتاب (قرآن هرگز تحریف نشده) سوال کنید؟؟؟ [↑](#footnote-ref-2)
3. - هر جاکلمه سایه دیدید بخاطر احترام به آیات قرآن آن را سایه آورده و منظور همان عبارات سوره مجعول می‌باشد. [↑](#footnote-ref-3)
4. - بجای قرائت یا تلاوت از کلمه «خوانده» استفاده شد تا به قرآن اهانت نشود. [↑](#footnote-ref-4)